

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## آینه معرفت

(فصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه و کلام اسلامی)

سال شانزدهم، شماره ۴۶/بهار ۱۳۹۵

صاحب امتیاز:

دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده الهیات و ادیان

مدیر مسئول:

دکتر محمد مهدی باباپور

سر دبیر:

دکتر محمد علی شیخ

مدیر داخلی:

دکتر زکریا بهارنژاد

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب الفبا:

دکتر محمد ابراهیمی ورکیانی (استادیار دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر سید علی اکبر افجه‌ای (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر رضا اکبریان (استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر محسن جوادی (دانشیار دانشگاه قم)، آیت الله دکتر سید حسن سعادت مصطفوی (دانشیار دانشگاه امام صادق)، دکتر حسن سعیدی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر محمد علی شیخ (استاد دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر منوچهر صانعی (استاد دانشگاه شهید بهشتی) دکتر قربان علمی (دانشیار دانشگاه تهران)

همکاران علمی این شماره به ترتیب الفبا:

دکتر محمد ابراهیمی ورکیانی، دکتر سید علی اکبر افجه‌ای، دکتر محمد مهدی باباپور، دکتر زکریا بهارنژاد، دکتر حسن سعیدی، دکتر سید محمد اسماعیل سید هاشمی، دکتر میثم سفیدخوش، دکتر غلامحسین عمادزاده، دکتر احمد مسگری، دکتر حسین مقیسه، دکتر حسین واله

مترجم چکیده‌ها:

دکتر محمد رضا عنانی سراب

ویراستار:

فروغ کاظمی

صفحه آرا:

مریم میرزایی

نشانی: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، دفتر مجله کد پستی: ۱۹۸۳۹۶۹۴۱۱

www.sbu.ac.ir/maaref/ayenehmarefat  
E-Mail: ayenehmarefat@sbu.ac.ir

تلفکس: ۲۲۴۳۱۷۸۵    تلفن: ۲۹۹۰۵۶۹۴  
چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه شهید بهشتی

در تاریخ ۹۱/۱۰/۲۵ طی نامه ۲۰۵۱۳۹/۳/۱۸ رتبه علمی پژوهشی فصلنامه آینه معرفت توسط کمیسیون نشریات وزارت علوم و تحقیقات و فناوری تمدید اعتبار شده است.

فصلنامه آینه معرفت در سایت زیر به طور تمام متن قابل بازیابی است:

www.ISC.gov.ir  
www.SCJ.sbu.ac.ir

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام  
پایگاه نشر دانش (پند)

سال نشر: ۱۳۹۵

توجه: مسئولیت مطالب و نظریات مطرح شده در مقاله‌های این فصلنامه بر عهده نویسندگان آن است و چاپ آنها به معنای تأیید آنها نیست.

## راهنمای نگارش مقالات

از نویسندگان محترم تقاضا می‌شود از ارسال مقالاتی که مطابق شیوه‌نامه نیست، خودداری فرمایند؛ صرفاً مقالاتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که مطابق شیوه‌نامه نگاشته شده باشند.

۱. مشخصات نویسنده: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و سازمان متبوع صاحب اثر (مؤلف / مترجم)، نشانی دقیق پستی و الکترونیکی و تلفن تماس در پایان مقاله آورده شود.
۲. تصمیم‌گیری در مورد چاپ مقاله‌ها توسط هیئت تحریریه و دو داور متخصص صورت می‌پذیرد.
۳. مقاله در نشریه دیگر چاپ نشده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۴. مقالات دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی در صورتی برای داوری ارسال خواهد شد که نام استاد راهنما نیز ذکر شده باشد.
۵. موضوع مقالات: مقاله‌های ارسالی مرتبط با زمینه‌های تخصصی فلسفه و کلام اسلامی به یکی از سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی پذیرفته می‌شود.
۶. اجزای مقاله: عنوان مقاله، چکیده فارسی و انگلیسی، کلید واژه‌ها، مقدمه، متن، نتیجه، ارجاعات توضیحی، منابع؛ مقاله در کادر مشخص شده مجله (راست، چپ و پایین ۴/۵ سانتیمتر و بالا ۶ سانتیمتر) و قلم زر ۱۳، حداکثر ۲۵ صفحه - تنظیم شود.
۷. دریافت مقاله فقط از طریق سامانه پند، سامانه مدیریت نشر به آدرس [www.scj.sbu.ac.ir](http://www.scj.sbu.ac.ir) امکان پذیر است.
۸. معادل اصطلاحات و اعلام بلافاصله پس از اصطلاح یا نام در داخل پرانتز آورده شود.
۹. اعلام ناآشنا اعراب گذاری شود.
۱۰. منبع تبدیل سال‌ها از هجری به میلادی یا بالعکس: وستنفلد، فردیناند و ادوارد ماہلر، تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی، مقدمه و تجدیدنظر از حکیم‌الدین قریشی، تهران، فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۶۰.
۱۱. در پایان مقاله، نخست ارجاعات توضیحی آورده می‌شود که صرفاً شامل توضیحات ضروری است نه ارجاع به منابع.
۱۲. شیوه ارجاع به منابع: به جای ذکر منابع در زیرنویس یا پایان مقاله، در پایان هر نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم مراجع مربوط، به این شکل داخل پرانتز قرار داده شود: (نام خانوادگی مؤلف، صفحه). چنانچه بیش از یک اثر از مؤلف ذکر شود، منبع به این شکل ارائه گردد: (نام خانوادگی مؤلف، عنوان مقاله یا کتاب، صفحه).

۱۳ فهرست الفبایی منابع (فارسی و غیر فارسی جدا):

- کتاب:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، عنوان کتاب، شماره جلد، نام مترجم یا مصحح و غیره، محل نشر، نام ناشر، سال نشر.

- مقاله:

الف) چاپ شده در مجموعه یا دایرةالمعارف:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، عنوان مجموعه یا دایرةالمعارف، اهتمام کننده، محل نشر، نام ناشر، سال نشر، صفحه‌ها.

ب) چاپ شده در مجلات:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، نام مجله، دوره یا جلد، شماره (فصل / ماه و سال)، صفحه‌ها.

ج) چاپ شده در روزنامه:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، نام روزنامه، شماره (روز و ماه و سال)، صفحه.

- سند:

نام سازمانی که سند در آنجا نگهداری می‌شود، شماره پرونده، شماره سند.

لطفاً میزان تحصيلات، رتبه و پایه علمی، محل کار دانشگاهی، شماره تلفن منزل و محل کار، تلفن همراه، نشانی، شماره کد یا صندوق پستی و پست الکترونیک خود را در برگه‌ای مجزا همراه مقاله ارسال نمایید.

## فهرست مطالب

۷	تییننی از دیدگاه ابن سینا و سهروردی در باب تمایز وجود و ماهیت، حمید حسنی- رضا اکبریان	
۸	بررسی نقش عقل در شناخت خداوند در اندیشه سنایی، حسن سعیدی- سمانه فیضی	
۹	بررسی تطبیقی تعریف فارابی از زیبایی با تعاریف مشهور و برجسته متقدم و متأخر، حسین هاشم نژاد	
۱۰	هویت سلوکی فلسفه: مقایسه افلاطون و سهروردی، منصوره رحمانی- احد فرامرز قراملکی	
۱۱	منابع معرفت کلامی امامیه نخستین (رویکردی متمایز به عقل و وحی، فطرت، ادراک حسی و شهود)، حسین نعیم آبادی- محمدتقی سبحانی	
۱۲	امکان در پدیدارشناسی آگزیستانسیالیستی مرلوپونتی، محمد شکری	
۱۳	خوددراکی کانتی و علم به وجود، اسماعیل سعادت‌تی خمسه	
	<i>Delineation of Avicenna's and Suhrawardi's Views on the Distinction between Existence and Quiddity, Hamid Hassani- Reza Akbarian</i>	16
	<i>Knowledge of God and Role of Reason in Sanai's System of Thought, Hassan Saeedi- Samaneh Feizi</i>	17
	<i>A Comparative Study of Farabi's Definition of Beauty with Prominent Ancient and Modern Definitions, Hossein Hashemnezhad</i>	18
	<i>Philosophy as a Journey: Plato Compared with Sohrawardi, Mansoreh Rahmani- Ahad Framarz Gharamaleki</i>	19
	<i>Early Imamyah Theological Knowledge Resources: A Distinctive Approach to Reason and Revelation, Nature, Perception and Intuition, Hossein Naeemabadi- Mohammad Taghi Sobhani</i>	20
	<i>Space in Merleau-Ponty's Existentialist Phenomenology, Mohammad Shokry</i>	21
	<i>Kantian Apperception and Knowledge of Existence, Ismail Saadati Khamseh</i>	22

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۹۵

Research Journal of Islamic Philosophy and  
Theology of Shahid Beheshti University

کد مقاله: ۵۹۵۸

## تبیینی از دیدگاه ابن سینا و سهروردی در باب تمایز وجود و ماهیت

\* حمید حسنی

\*\* رضا اکبریان

### چکیده

ابن سینا، نظام فلسفی خویش را بر اصل تمایز وجود و ماهیت مبتنی ساخته است، اما برخی دیگر از فلاسفه و متفکران در جهان اسلام شدیداً از این سخن ابن سینا انتقاد کرده‌اند. از گذشته عقیده بسیاری از صاحب نظران بر این بوده و هنوز هم عقیده بسیاری بر این است که گروهی از این منتقدان، از جمله سهروردی و ابن رشد، در فهم منظور ابن سینا از این تمایز دچار اشتباه شده‌اند. اما آیا واقعاً این گونه است؟ پاسخ مقاله در قبال مسئله بدفهمی این است که ابن رشد به این اشتباه دچار گشته، ولی سهروردی خیر. زیرا ابن رشد گمان می‌کند ابن سینا در شرح فلسفه ارسطو دچار خطا شده است. در حالی که موضع شیخ اشراق چنین نیست. تحلیل «اعتبارات عقلیه» سهروردی نشان می‌دهد که وی با فهم تمایز میان ارسطو و ابن سینا در مبنا و ریشه و بر اساس مبنایی جدید از علیت و ایجاد، یعنی نظریه انوار الهیه و اضافه اشراقیه، به عنوان بیانی فلسفی از قاعده «ایجاد الشیء لا من شیء»، به انتقاد از ابن سینا می‌پردازد. ابن سینا، خود در مواضعی اشاره می‌کند که تمایز مورد نظر او تمایزی خارجی نیست. آنچه مورد نظر ابن سیناست، تمایز متافیزیکی است نه خارجی؛ خود سهروردی نیز بر این دیدگاه شیخ کاملاً واقف بوده است. در واقع، شیخ اشراق اشکالات خویش را بر تمایز متافیزیکی وجود و ماهیت وارد ساخته، نه تمایز خارجی؛ هر چند، چارچوب اشکال وی بسیار شبیه به اشکالی است که ابن سینا خود بر تمایز خارجی وجود و ماهیت وارد می‌سازد و به همین دلیل است که گمان بدفهمی در باره سهروردی رفته است. کلیدواژه‌ها: سهروردی، ابن سینا، وجود و ماهیت، تمایز متافیزیکی، اعتبارات عقلیه، علیت ایجاد، انوار الهیه.

hasaniph@gmail.com  
dr.reza.akbarian@gmail.com

\* دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه تربیت مدرس  
\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۱۷

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۹۵

Research Journal of Islamic Philosophy and  
Theology of Shahid Beheshti University

کد مقاله: ۱۰۲۹۳

## بررسی نقش عقل در شناخت خداوند در اندیشه سنایی

حسن سعیدی\*

سمانه فیضی\*\*

### چکیده

نسبت ما با حضرت حق و حقیقت متعالی عالم چیست؟ آیا می‌توان او را شناخت؟ یا به دلیل اینکه هرگز «بحر در قطره» و «مهر در ذره» جای نمی‌گیرد او «برون از وهم و قال و قیل» آدمی است؟ این مسئله از دغدغه‌های دیرینه الهیات‌پژوهان است و پیوسته ذهن محققان این عرصه را به خود معطوف داشته در این راستاست که گونه‌ها و رویکردها به الهیات شکل می‌گیرد از این رو برخی مدعی‌اند که امکان معرفت به خداوند وجود ندارد، زیرا لازمه معرفت به چیزی احاطه بر آن چیز است و از آنجا که ابزار معرفتی انسان عقل اوست و به دلیل آنکه عقل محدودیت دارد و توان احاطه به خدای نامحدود ندارد. بنا بر این شناخت حق ناممکن است. در این راستا دانشوران با نگرش‌های مختلف کلامی، فلسفی و عرفانی، با تفاوت‌هایی به این مسئله پرداخته‌اند، اما در نگرش عرفانی رویکرد سلبی متمایزتر است. حکیم سنایی یکی از چهره‌های شاخص عرفانی است که بسیاری از عرفای نامی پس از او خود را در اندیشه‌های عرفانی وامدار وی می‌دانند. به گونه‌ای با این زاویه نگرش به شناخت خداوند نگریسته است. وی در تبیین هستی‌شناختی عقل را مخلوق نخستین می‌شمارد و در ساحت‌های وجودی به عقل فعال توجه کامل دارد همچنین به مکانت عقل در دو حوزه عمل و نظر توجه دارد از این رو آن را می‌ستاید او بحث شناخت خداوند را به دو حوزه ذات و صفات تفکیک می‌کند و معتقد است شناخت اکتناهی و ذاتی حق ناممکن است از این رو وی در این بخش نگاهی سلبی دارد و به‌رغم این نگرش اما در دام تعطیل و لا ادریگری نیفتاده است همچنین با پذیرش دو ساحت معرفتی عقل و ذوق در ترازوی سنجش معرفتی خود ساحت عشق را برتر از عقل می‌داند. هدف نوشتار حاضر که با روش توصیفی تحلیلی و با اتکا بر منابع کتابخانه‌ای به بررسی مسئله می‌پردازد، آن است که با تکیه بر آثار سنایی به توان عقل در حوزه معرفت خدا پردازد.

کلیدواژه‌ها: الهیات سلبی، سنایی، ذات حق، عقل، عشق.

h-Saeidi@sbu.ac.ir

\* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

\*\* دانش‌آموخته عرفان و ادیان دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۱



فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت  
دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۹۵

Research Journal of Islamic Philosophy and  
Theology of Shahid Beheshti University  
کد مقاله: ۹۶۹۲

## بررسی تطبیقی تعریف فارابی از زیبایی با تعاریف مشهور و برجسته متقدم و متأخر

حسین هاشم نژاد \*

### چکیده

زیبایی یکی از کشش‌های روح بشر است. رکن اصلی و مقوم هنر هم زیبایی است، هنر حضور حداکثری در زندگی بشر امروز دارد. آثار هنری بسته به اینکه هنرمند چه تعریفی از زیبایی دارد، متفاوت و متنوع می‌شوند. پس ماهیت زیبایی به تبع هنر در زمان ما اهمیت ویژه‌ای یافته است. در طی تاریخ برای زیبایی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در این جستار ابتدا تعریف فارابی از زیبایی محور مقایسه واقع شده، آنگاه تعریف افلاطون، ارسطو، فلوطین از متقدمان و تعریف هیوم، کانت، هگل، شلینگ و... از متأخران با آن مقایسه شده است. این مسئله که تعریف فارابی از زیبایی چه ویژگی‌های اختصاصی نسبت به تعاریف مشهور دیگر دارد؟ پرسش اصلی این پژوهش است. آفاقی یا انفسی بودن زیبایی طبق تعریف فارابی و کاربردی بودن یا نبودن آن در دوره معاصر، دو مسئله فرعی این پژوهش‌اند. طبق تعریف فارابی زیبایی یعنی تحقق وجود برتر و کمال نهایی در هر نوع و پدیده‌ای، اعم از طبیعی یا مصنوع. در این پژوهش نشان داده شده است که تعریف فارابی نسبت به تعاریف متقدمان و متأخران جامع‌تر و کامل‌تر است. تعریف فارابی شامل زیبایی‌های مجردات و امور معنوی هم می‌شود. در حالی که دیگر تعاریف فاقد این مزیت‌اند. طبق تعریف فارابی زیبایی امری عینی و آفاقی است. تعریف فارابی درون مکتبی یا درون دینی نیست. همه هنرمندان از هر دین و مکتبی می‌توانند آن را مبنای قرار دهند. تعریف فارابی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها بخصوص عصر ما کاربردی است. در صورتی که هنرمندان تعریف فارابی را مبنای آثار هنری خود قرار بدهند، می‌توانند حرف‌های نو و بدیعی در عرصه هنر جهانی داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: تعریف زیبایی، زیبایی، فارابی، تعاریف مشهور زیبایی، تعاریف برجسته زیبایی.

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت  
دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۹۵

Research Journal of Islamic Philosophy and  
Theology of Shahid Beheshti University  
کد مقاله: ۹۲۹۸

## هویت سلوکی فلسفه: مقایسه افلاطون و سهروردی

منصوره رحمانی \*  
احمد فرامرزی فراملکی \*\*

### چکیده.

تأثیر انگاره هر فیلسوف از فلسفه در نظام فلسفی او، ضرورت مقایسه انگاره‌ها را در فلسفه تطبیقی نشان می‌دهد. از آنجا که یکی از مواضع شناخت انگاره فیلسوف، تعریف وی از فلسفه است، رهیافت کشف انگاره این دو فیلسوف، تحلیل مقایسه‌ای تعریف آنان از فلسفه است. هر دو فیلسوف، نگاه فرایندی به فلسفه دارند و آن را گذار از عالم کثرت به عالم وحدت می‌دانند. برای هر دو، ثمره این گذار مشاهده حقایق، در پرتو اشراق است. از نظر افلاطون، حیرت، درگیری وجودی با پرسش فلسفی و اشتیاق به حکمت، مراحل ابتدایی فرایند فلسفه‌اند که به تحلیل درون فیلسوف اختصاص دارند. تمرین مرگ، راهکار افلاطون برای گذار از محسوسات است، ولی سهروردی بدون پرداختن به تحلیل درون فیلسوف، این فرایند را با انسلاخ از دنیا می‌آغازد. غایت فلسفه، برای افلاطون تشبه به اله و همنشینی با او و جاودانگی است و در نگاه سهروردی، حکمت نهایت ندارد. کلیدواژه‌ها: افلاطون، تشبه به اله، تمرین مرگ، سلوک، سهروردی

ma.rahmani110@yahoo.com  
akhlagh-85@yahoo.com

\* دانش آموخته فلسفه و کلام  
\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۵

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت  
دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۹۵

Research Journal of Islamic Philosophy and  
Theology of Shahid Beheshti University  
کد مقاله: ۷۷۸۵

## منابع معرفت کلامی امامیه نخستین

### (رویکردی متمایز به عقل و وحی، فطرت، ادراک حسی و شهود)

حسین نعیم آبادی\*  
محمد تقی سبحانی\*\*

#### چکیده

این مقاله به بررسی چهار منبع از منابع معرفت کلامی با رویکرد متمایزی از امامیه نخستین در دوران حضور می‌پردازد. در این پژوهش به منظور دستیابی به مؤلفه‌های لازم برای یافتن یک پارادایم و الگوی مستقل فکری در میان امامیه دوران حضور، که آنان را از متکلمان عصر خود و همچنین از اندیشمندان دوره‌های متأخر متمایز می‌کند، از روش تحلیل تاریخی بر مبنای منابع حدیثی، کلامی و تاریخی استفاده شد. به نظر می‌رسد که همه امامیه به جز گروهی اندک از محدثان درباره منبع معرفتی اول یعنی عقل و ارتباط آن با وحی معتقد به نوعی حجیت توأمان بودند. امامیه نخستین در عین اعتقاد به حجیت مستقل عقل، برخلاف معتزله حجیت عقل را انحصاری و بدون نیاز به وحی نمی‌دانستند. در مسئله فطرت، امامیه نخستین معتقد بودند یکی از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران نه استدلال عقلانی کردن درباره توحید بلکه زنده کردن میثاق فطرت انسان‌ها بوده است. در بحث ادراک حسی، صائب بودن ادراک حسی به حقیقت به‌ویژه با توجه به تعالیم قرآن کریم امری مفروغ عنه بود. دست‌آخرا اینکه در مسئله شهود، امامیه درست در مقابل دو دیدگاه افراطی و تفریطی اهل سنت حدیث‌گرا و معتزله عقل‌گرا، به تبیین رؤیت قلبی خداوند پرداختند.

کلیدواژه‌ها: منابع معرفت، عقل، وحی، فطرت، ادراک حسی، شهود.

hnaeimabadi79@gmail.com  
sobhani.mt@gmail.com

\* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان  
\*\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۵

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت  
دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۹۵

Research Journal of Islamic Philosophy and  
Theology of Shahid Beheshti University  
کد مقاله: ۸۵۷۱

## مکان در پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی مرلوپونتی

محمد شکری \*

### چکیده

نظریه مکان در پدیدارشناسی ادراک مرلوپونتی یکی از موضوعات جذاب و دلکش این فلسفه است. او برخلاف هوسرل که واقعیت متقن را در حوزه آگاهی ناب یعنی ساحت میرا از مفروضات طبیعی مانند زمان و مکان و... جستجو می‌کند و موافق با ایده اساسی اگزیستانسیالیسم که بودن جسمانی در عالم یا واقع بودگی را عین طبیعت انسان می‌داند، بر این باور است که مکان فهمی صورت پیشین و شرط شناخت اعیان و رویدادهاست. او با تأمل در یافته‌های روان-تنی برخی روان‌شناسان معاصر سرانجام به این باور می‌گراید که تن ما به مثابه زمینه و افقی است که با آن و به اقتضای آن اعیان مختصات مکانی می‌یابد و از این رو نسبتی دو سویه میان سوژه و عالم برقرار است و به واسطه همین نسبت و ایجاد تراز مکانی است که تجربه ما از عالم تعیین می‌یابد. مرلوپونتی تأکید می‌کند که تجربه‌های ما جملگی نتیجه ایجاد ترازهای مکانی جدیدی است که یکی پس از دیگری شکل می‌گیرد و هر تجربه مسبوق و مصبوغ به تجربه‌های مکانی قبلی سوژه تن یافته است. یکی از نتایج چنین دیدگاهی آن است که سوژه فردی سوژه‌ای است تاریخی که لحظات آن را تجربه‌هایی تشکیل می‌دهند که در آن ترازهای مکانی متوالی را ایجاد کرده و تجربه در هر تراز مکانی، تراز مکانی کامل‌تری را سبب می‌شود. کلیدواژه‌ها: ادراک مکانی، در عالم بودن، سوژه جسمانی، مرلوپونتی، نقطه-افق، مکان زیسته.

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت  
دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۹۵

Research Journal of Islamic Philosophy and  
Theology of Shahid Beheshti University  
کد مقاله: ۴۰۷۱

## خودادراکی کانتی و علم به وجود

اسماعیل سعادت‌ی خمسه\*

### چکیده

خودادراکی یا ادراک نفسانی مهم‌ترین تعلیم کانت در استنتاج استعلایی سنجش خرد ناب و اصل اساسی معرفت‌شناسی وی است که ناشی از بنیادی‌ترین قسم مواجهه با وجود است. این اصطلاح در کتاب کانت با صفات محض و اصلی و استعلایی به کار رفته است. شارحان فلسفه کانت این تعلیم را تأیید کوگیتیوی دکارت، پاسخی به شکاکیت هیوم، انتساب تصورات به خود تفسیر کرده و برخی دیگر صرفاً شأن صوری و منطقی به آن داده‌اند. تعلیم خودادراکی، در اصل، درصدد تبیین معقول وحدت اندیشه و اندیشنده است، که مبتنی بر علم حضوری به خود و مواجهه با وجود خارجی و غیرذهنی است. اما اصالت چنین مواجهه‌ای با سوپراکتیویسم کانتی سازگار نیست. کانت، علی‌الاصول، حتی نباید از وجود اسمی و عینی و خارجی سخن بگوید؛ در غیر این صورت کلامش متنافی الاجزا و ناسازگار خواهد بود. زیرا فرا روی از همان حدودی خواهد بود که خودش مقرر کرده است. کلیدواژه‌ها: خودادراکی، علم حضوری، وجود، وجود محمول.

**AYENEH MA'REFAT**

*(Research Journal of Islamic Philosophy and Theology)*

No. 46/ Vol. 16/ Spring 2016

**Proprietor**

Shahid Beheshti University  
Faculty of Theology and Religious Studies

**Director**

Mohammadmehdi Babapoor, PhD

**Editor-in- chief**

Mohammad Ali Sheykh, PhD

**Executive Manager**

Zakaria Baharnezhad, PhD

**Advisory Panel**

*Seyyed Ali Akbar Afjei, PhD; Reza Akbarian, PhD; Mohammad Ebrahimi V., PhD; Ghorban Elmi, PhD; Mohsen Javadi, PhD; Hassan Saeidi, PhD; Manoochehr Sanei, PhD; Mohammad Ali Sheykh, PhD*

**Reviewers**

*Seyyed Ali Akbar Afjei, PhD; Mohammadmehdi Babapoor, PhD; Zakaria Baharnezhad, PhD; Mohammad Ebrahimi V., PhD; Golam hossein Emadzadeh, PhD; Ahmad Mesgary, PhD; Hossein Moghiseh, PhD; Hassan Saeidi, PhD; Misam sefidkhosh, PhD; Seyyed Mohammad Esmaeil Seyyed Hashemi, PhD; ; Hossein Valeh, PhD;*

**Translator**

Mohammad Reza Anani Sarab, PhD

**Executive Editor**

Forough Kazemi

**Typesetter**

Maryam Mirzaie

**Address**

*"Ayeneh Ma'refat" Office, Faculty of Theology and Religious Studies,  
Shahid Beheshti University, Evin, Tehran*

**Postal Code**

1983969411

www.sbu.ac.ir/maaref/ayenehmarefat

E-Mail: ayenehmarefat@sbu.ac.ir

**Tel.Fax** :+98-21-22431785    **Tel**:+98-21-29905694

**Print & Binding:** *Shahid Beheshti University Printing House*

**Note:** *The published articles are not the view points of the Quarterly .*

*Ayneh Ma'refat is available in following Web Sites in fulltext form*

**www.ISC.gov.ir**  
**www.SCJ.sbu.ac.ir**

Printed in :1395

## **Delineation of Avicenna's and Suhrawardi's Views on the Distinction between Existence and Quiddity**

Hamid Hassani\* - Reza Akbarian\*\*

### **Abstract**

Avicenna has based his philosophical system on the principle of distinction between existence and quiddity. However, this principle has been criticized by some other philosophers and thinkers in the Islamic world. It has been accepted by many scholars since past times that some of these critics such as Suhrawardi and Ibn Rushd, have misunderstood Avicennian view of this distinction. But, is there really such a misunderstanding? Our response to the question of misunderstanding is that, as for Ibn Rushd, yes he did, but, as for Suhrawardi, the answer is no, he did not. Because Ibn Rushd sees Avicenna as a commentator who had misinterpreted Aristotle. While Suhrawardi thinks differently. The analysis of Suhrawardi's 'iitibarat aqliyyah' (rational considerations) shows that, understanding the basic differences between Aristotle and Avicenna and basing himself on the new elements of 'anvar-I ilahiyyah' (metaphysical lights) and 'idhafah ishraqiyyah' (illuminative relation) which are the philosophical explanations of the theorem of 'iijado-shey la min shey' (existentiating the thing not from something), makes him a different critic of Avicenna's philosophy. Avicenna himself in some cases has mentioned that he has never meant external distinction between existence and quiddity; what he had in mind is a metaphysical and not an external distinction. Suhrawardi was aware of this kind of distinction precisely. Indeed, Suhrawardi's criticism is about metaphysical distinction, not external distinction, though the structure of his specific objections is similar to those which Avicenna and Ibn Rushd pose against external distinction. This may be the reason why some have formed the idea that Suhrawardi misunderstood Avicenna's distinction between existence and quiddity.

**Key Terms:** *Avicenna, Suhrawardi, existence and quiddity, metaphysical distinction, rational considerations, existential causality, metaphysical lights.*

---

\* Tarbiat Modares University

\*\* Tarbiat Modares University

Reception date: 94/6/26

hasaniph@gmail.com

dr.reza.akbarian@gmail.com

Acceptance date: 95/1/17



## Knowledge of God and Role of Reason in Sanai's System of Thought

Hassan Saeedi \* - Samaneh Feizi \*\*

### Abstract

What is our relation to God and the transcendent reality of the world? Can we know Him? Or because it is impossible to imagine "the ocean in a drop" and "the sun in a particle", He is totally beyond any human delusion and preoccupations. It is a long-standing issue in the discussions of theological scholars; an issue which has attracted the attention of the researchers everywhere. Various approaches have emerged to deal with this issue; one of them is *negative theology* in contrast with *positive theology*. Based on negative theology, we cannot acquire knowledge of God, for our knowledge is absolutely finite, while He is infinite. Therefore, knowing Him is impossible. One of the most important thinkers who thinks negatively concerning the knowledge of God is Hakim Sanai (1080 to 1141) as a Persian famous poet and theosophist. Many grand mystics after Sanai have drawn on him and have acknowledged that they had been affected by him. The purpose of the present article is to explain the role of reason in acquiring knowledge of God based on negative theology, drawing on Sanai's ideas. To this end, the authors have adopted a descriptive-analytical method relying on library sources.

**Key Terms:** *Sanai, negative theology, essence of God, reason, love*

---

\* Associate Professor of Shahid Beheshti University h-Saeidi@sbu.ac.ir

\*\* Master of comparative mysticism, Shahid Beheshti University

## A Comparative Study of Farabi's Definition of Beauty with Prominent Ancient and Modern Definitions

Hossein Hashemnezhad \*

### Abstract

Beauty is one of the attractions of human soul. It is also the fundamental and consolidating element of art. Depending on the definition of art by the artist, works of art can vary and take different forms. Throughout history, various definitions have been provided for art. The present article first provides Farabi's definition of beauty and then tries to compare it with those of Plato, Aristotle, Plotinus from the ancient times and Hume, Kant, Hegel and Hutcheson from the modern period. So the main question of this article is: What are distinctive features of Farabi's definition compared to other definitions? The extroversive and introversive nature of beauty in Farabi's definitions and its applied or non-applied nature in the modern definitions or secondary issues discussed in the present article. According to Farabi's definition, beauty is exactness of supreme being and ultimate perfection of a kind irrespective of its being natural or fabricated. The study shows that Farabi's definition of beauty is more comprehensive and complete than other definitions. His definition is applicable to abstract and spiritual beings while the other definitions are devoid of this feature. His definition of beauty is objective, practical and not school-based. If artists take his definition as their starting point, they would be able to contribute to the world of art in an innovative way.

**Key Terms:** *beauty, Farabi's definition of beauty, Farabi, ancient definitions of beauty, modern definitions of beauty.*

---

\* University of Tehran

[hashemnezhad48@ut.ac.ir](mailto:hashemnezhad48@ut.ac.ir)

Reception date: 94/11/17

Acceptance date: 95/1/25

## Philosophy as a Journey: Plato Compared with Sohrevardi

Mansoreh Rahmani\* - Ahad Framarz Gharamaleki\*\*

### Abstract

In comparative philosophy, the philosophers' conception of philosophy within their philosophical systems are compared. As one way to infer a philosopher's conception of philosophy is through his/her definition of philosophy, in this article, we compare the definitions of philosophy provided by Plato and Sohrevardi. Both philosophers consider philosophy as a process and consider it as a transition from multiple world to the world of oneness. For both, the outcome of this transition is observation through illumination. From Plato's point of view, the first stage of this process is wonder, love of wisdom, existential involvement with a philosophical problem, all of which are dedicated to the analysis of the philosopher's inside world. For Plato the transition from the multiple world is possible through practice of death while Sohrevardi starts this process with complete separation from universe without the analysis of the philosopher's inside world. Assimilation to God, being in company with God, and becoming eternal are the final goals of philosophy from Plato's point of view. For Sohrevardi wisdom has no limits.

**Key Terms:** *assimilation to God, journey, Plato, practice of death, Sohrevardi.*

---

\* Tehran University

ma.rahmani110@yahoo.com

\*\* Tehran University

akhlagh-85@yahoo.com

## **Early Imamyah Theological Knowledge Resources: A Distinctive Approach to Reason and Revelation, Nature, Perception and Intuition**

Hossein Naeemabadi\* - Mohammad Taghi Sobhani\*\*

### **Abstract**

The present paper examines four of the theological knowledge sources with a distinct approach from that of the early Imamyah theologians during the presence era. To this end and to identify the necessary components of a paradigm and an independent model of thought among early Imamyah theologians who distinguished themselves from their contemporary ones and also from the thinkers of the later eras, the study adopts a historical analysis based on narrative, theological, and historical sources. About the first source (intellect) and its relation to revelation, all of Imamyah theologians, except for a small group of scholars, believed in joint authority. The early Imamyah theologians also believed in the independent authority of intellect, but, unlike the Mu'tazila, not exclusively and without recourse to revelation. In relation to the issue of *fiṭrah*, the early Imamyah theologians believed that one of the most important missions of the prophets was the awakening of human nature not rational argumentation about monotheism. As for the issue of perception, the sharp-sightedness of sense perceptions is not what theologians questioned. Finally, in contrast with the extreme views of tradition-oriented Sunnis and also intellect-oriented Mu'tazilites, they took the position of explaining the ultimate being through heart sight.

**Key Terms:** *knowledge resources, reason, revelation, nature, perception, intuition.*

---

\* University of Religions hnaeimabadi79@gmail.com

\*\* Research Institute of Islamic Sciences and culture  
sobhani.mt@gmail.com

Reception date: 94/8/10

Acceptance date: 94/11/25

## Space in Merleau-Ponty's Existentialist Phenomenology

Mohammad Shokry\*

### Abstract

The notion of space is one of the most interesting and attractive topics in Merleau-Ponty's phenomenology of perception. Unlike Husserl who looks for certain facts in the field of pure consciousness, i.e., in the field devoid of natural assumptions such as time and place, but more like Heidegger's idea of Being- in- the- world as the essential state of human beings; Merleau-Ponty believes that cognition of space is an a priori condition for our knowledge of objects and events. In addition, through more reflection on the psycho-physiological findings in contemporary psychology, Merleau-Ponty argues that our body is the ground or horizon by which objects take spatial features, and therefore it is the source of a dual relation between the subject and the world. He reiterates the point that all of our experiences followed by creation of new spatial levels that formed successively, and that our experiences are the result of the formation of new spatial levels of embodiment subject. A significant result of this view is that the individual subject is a historical one whose moments are formed by successive experiences in which the body's spatial levels are aggregated to form a more complete special level compared with the previous ones.

**Key Terms** : *being in the world, cognition of space, lived space, Merleau-Ponty, embodied subject, point-horizon.*

---

\* Islamic Azad University, Northern Tehran Branch  
**mohammadshokry44@gmail.com**

## Kantian Apperception and Knowledge of Existence

Ismail Saadati Khamseh\*

### Abstract

Apperception is the most important Kantian teaching and his major epistemological principle in transcendental deduction of the Critique of Pure Reason derived from the most fundamental form of Being's experience. This term has been used in Kant's work with pure, original, and transcendental attributes. Some commentators have interpreted this principle as confirmation of Cogito, as a replay to Hume's skepticism, as the attributability of representation to oneself, and some others have presented a logocentric reading of that. Indeed, apperception is a reasonable account of unity of thinking and thinker, which is based on presential cognition and the experience of existence in concreto or non-conceptual being. But such an original experience is inconsistent with Kantian subjectivism. Kant, in principle, should not have spoken of predicative, concrete and external existence, otherwise his words would become incompatible with the limitations he has imposed upon himself.

**Key Terms:** *apperception, presential cognition, existence, predicative existence.*

---

\* University of Mohaghegh Ardabili

e.skhamseh@yahoo.com

Reception date: 94/2/29

Acceptance date: 94/12/18